

Explaining the characteristics of production in the economic system of the ideal society from the perspective of the Qur'an and Imams (AS)

Farzaneh Zare 

PhD student of Quran and Hadith Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran
Email: fazanezaree1354@gmail.com

Seyyed Hamidreza Shamrizi (Corresponding Author) 

Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.
Email: shamerizi@iauyazd.ac.ir

Kamal Khajepour 

Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran
Email: kamalkhajepour@iauyazd.ac.ir



Citation Farzaneh Zare, Seyyed Hamidreza Shamrizi, Kamal Khajepour. [Explaining the characteristics of production in the economic system of the ideal society from the perspective of the Qur'an and Imams (AS) (Persian)]. *EGHTESAD-E ISLAMI (A Quarterly Journal on Islamic Economics)*. 2025; 24 (96): 5-29

 [10.22034/iec.2024.2044047.2807](https://doi.org/10.22034/iec.2024.2044047.2807)

Received: 22 August 2024 , Accepted: 01 December 2024

Abstract

One of the important issues in economic management is the boom in production to achieve greater prosperity in the society. In fact, the purpose of production is to create the growth and wealth of the society, more prosperity, and as a result, the direction of the society towards God. It can be stated that production is actualization and consumption of primary and natural resources given by God. In Islam, production is also proposed for the continuation of life, growth and happiness of man. Therefore, any kind of production that is useful for humans and has rational fruits is considered permissible. In this research, we are trying to introduce the priorities of production from the perspective of Islam in order to reach the growth and economic authority of Muslims by using the descriptive-analytical method and using the Quranic verses and the important words of the Imams of the Infallible Imams (AS). The purpose of this research is to explain the characteristics of production in the economic system of the desired society from the perspective of the Qur'an and Imams (AS). Encouraging the study of livelihood, encouraging the study of appropriate welfare, encouraging the acquisition of authority, encouraging poverty alleviation, encouraging investment in production and encouraging the use of income obtained through production are important topics in the Islamic system.

Keywords

Production, economic system, ideal society, Quran, words of imams.



شېرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پر تال جامع علوم انسانی



تبیین ویژگی‌های تولید در نظام اقتصادی جامعه مطلوب از دیدگاه قرآن و ائمه (ع)

فرزانه زارع ^{ID}

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

Email: fazanezaree1354@gmail.com

سید حمیدرضا شمع‌ریزی ^{ID} (نویسنده مسئول)

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

Email: shamerizi@iauyazd.ac.ir

کمال خواجه‌پور ^{ID}

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

Email: kamalkhagepour@iauyazd.ac.ir



Citation Farzaneh Zare, Seyyed Hamidreza Shamrizi, Kamal Khajepour. [Explaining the characteristics of production in the economic system of the ideal society from the perspective of the Qur'an and Imams (AS) (Persian)]. EGHTESAD-E ISLAMI (A Quarterly Journal on Islamic Economics). 2025; 24 (96): 5-29
[10.22034/iec.2024.2044047.2807](https://doi.org/10.22034/iec.2024.2044047.2807)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱

چکیده

از جمله مسائل مهم در مدیریت اقتصادی، رونق تولید برای دستیابی به رفاه بیشتر در جامعه است. به واقع، هدف از تولید، رشد و ثروت جامعه برای رفاه بیشتر و جهت‌دهی جامعه به قرب الهی است. می‌توان اظهار داشت که تولید، به فعلیت‌رساندن و قابل مصرف‌ساختن منابع اولیه و طبیعی خدادادی است. در اسلام، تولید نیز در جهت ادامه حیات و رشد و سعادت انسان مطرح می‌شود؛ بنابراین هرگونه تولیدی که برای انسان مفید بوده و دارای ثمره‌ای عقلایی باشد، مجاز دانسته می‌شود. در این پژوهش سعی بر آن است با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از آیات قرآنی و سخنان گهربار ائمه معصومان (ع) به معرفی ویژگی‌های تولید از دیدگاه اسلام در راستای رسیدن به رشد و اقتدار اقتصادی مسلمین بپردازیم. هدف از این پژوهش تبیین ویژگی‌های تولید در نظام اقتصادی جامعه مطلوب از دیدگاه قرآن و ائمه (ع) است. تشویق به تحصیل معیشت، تحصیل رفاه مناسب، کسب اقتدار، فقرزدایی، سرمایه‌گذاری در تولید و استفاده از درآمدهای به‌دست‌آمده از راه تولید، از مباحث مهم در نظام اسلامی است.

واژگان کلیدی

تولید، نظام اقتصادی اسلام، جامعه مطلوب، قرآن، بیانات ائمه (ع).



مقدمه

اسلام به عنوان یک برنامه کامل هدایت بشر به تمام ابعاد زندگی انسان توجه کرده و در هر زمینه طرح و برنامه خاصی دارد. آشنایی با نظام اقتصاد اسلامی و مجموعه رهنمودهایی که اسلام درباره فعالیت‌های اقتصادی دارد، بسیار ضروری است. تنها از راه دستیابی به الگوی اقتصاد اسلامی است که بشر می‌تواند از نابسامانی‌های ناشی از به‌کارگیری اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیستی نجات یابد؛ چراکه این نظام بر اساس خواست افراد نیست، بلکه بر اساس نیازهای واقعی انسان و اقتضائات و قوانین و مقررات حاکم بر نظام هستی طراحی شده است؛ اما متأسفانه به دلیل غفلت مسلمانان و حاکمیت طاغوت‌ها در طول تاریخ و نفوذ فرهنگ و ملاک‌های مورد نظر قدرت‌های مسلط جهانی آموزه‌های اسلامی به فراموشی سپرده شده است. اینک ضرورت دارد در روند احیای تمدن اسلامی که با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده است، مجموعه آموزه‌های اقتصادی اسلام در قالب طرحی منسجم ارائه شود و از راه تحقق اهداف مورد نظر آن، زمینه برای حاکمیت نظام اقتصاد اسلامی فراهم شود. پیش‌نیاز این امر مهم آشنایی با جنبه‌های گوناگون آموزه‌های اقتصاد اسلام است. این کار می‌تواند در تصحیح نوع نگرش افراد جامعه به مقولاتی چون کار و سرمایه‌گذاری و تولید بسیار اثرگذار باشد و انگیزه آنها را در برطرف‌سازی مشکلات اقتصادی جامعه تقویت سازد و آنان را به تلاش در عرصه‌های رشد و توسعه اقتصادی تشویق کند.

بیان مسئله پژوهش

اقتصاد یکی از عوامل تأثیرگذار بر زندگی بشر در طول تاریخ بوده است. با توجه به اهمیت این موضوع، پرداختن به راهکارهای مؤثر که در زمان کمتری بتواند بازدهی و اثربخشی بیشتری داشته باشد، به عنوان دغدغه مکاتب اقتصادی و اقتصاد سیاسی هر جامعه در نظر گرفته می‌شود. اهمیت

قائل شدن به بخش‌های تولیدی از جمله عوامل امنیت‌آفرین در هر جامعه‌ای است که هم می‌تواند جامعه را از وابستگی و واردات بی‌رویه نجات دهد و هم اینکه با درآمدزایی، اشتغال‌زایی و ایجاد امنیت اقتصادی، عاملی برای ثبات سیاسی، مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی و رضایت شهروندان باشد.

با این حال، هر مکتب فکری با توجه به اینکه اقتصاد را به عنوان هدف یا وسیله در نظر می‌گیرد، نگرش خاصی نسبت به رونق تولید و راهکارهای دستیابی به آن عرضه می‌دارد. در مکتب اسلام، اقتصاد و به تبع آن رونق تولید، هدفی ذاتی به شمار نمی‌رود، بلکه ابزارهایی برای کسب سعادت دنیوی و اخروی و همچنین ایجاد رفاه و آسایش مادی و معنوی برای انسان‌ها شمرده می‌شود. نگارنده در این پژوهش در نظر دارد با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی - کتابخانه‌ای به تبیین ویژگی‌های تولید در نظام اقتصادی جامعه مطلوب از دیدگاه قرآن و ائمه (ع) بپردازد.

پیشینه پژوهش

در زمینه جامعه مطلوب از دیدگاه قرآن پژوهش‌های بسیاری صورت پذیرفته است که عبارت‌اند از: حکیمی‌فر (۱۳۹۱) در مقاله «تولید و بهره‌برداری اقتصادی از نگاه قرآن و نهج‌البلاغه با رویکرد تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» این موضوع را در دو بخش «شاخصه‌های اقتصاد اسلامی» و «رعایت حقوق کارگر در اسلام» از نگاه قرآن و نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار داده است. عبدالهی عابد و قبادی (۱۳۹۳) در پژوهش «راهکارهای قرآن برای رونق اقتصاد» به موضوع مواهب طبیعی، سیره اقتصادی معصومان (ع) و ارزش کار از منظر قرآنی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که استفاده از مواهب طبیعی، کیفیت تولید و حمایت از تولید ملی در رونق تولید مؤثر است.

غلام‌پور (۱۳۹۹) در جستار «بررسی رونق تولید اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم» الزامات رونق تولید مانند اصلاح الگوی مصرف، همت و کار

مضاعف، جهاد و غیره را از منظر قرآن و روایات بررسی کرده و نتیجه گرفته است که تولید بر اساس الگوی اسلامی، عزم ملی و تلاش زیاد می‌تواند موجب رونق تولید شود.

علیخانی (۱۳۹۹) در مقاله با عنوان «ویژگی‌های جامعه مطلوب از دیدگاه امام علی (ع)» اظهار می‌کند که امام علی (ع) در زمینه‌های مختلف علمی، دارای آرا و دیدگاه‌های عمیق و ناب است. امام علی (ع) بعد از قبول حکومت با تکیه بر علم و بینش عمیق خود در پی ساختن جامعه‌ای مطلوب مبتنی بر عدالت برآمد.

خوش‌خاضع و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «رونق تولید از نگاه قرآن» این‌گونه بیان می‌دارند که رونق تولید نیازمند اصل تعاون و همگرایی و دوری از فعالیت‌های غیرمولد برای افزایش ثروت است. اقتصاد اسلامی، رونق تولید را بر مبنای قرارداد داشتن آن در مسیر سعادت دنیوی و اخروی انسان قابل پذیرش می‌داند.

قلعه‌نویی (۱۴۰۰) در جستاری با نام «بررسی ویژگی‌های اقتصادی مدیریت علوی در زمینه تولید، توزیع و مصرف در نهج‌البلاغه» این‌گونه ذکر می‌کند که نهج‌البلاغه حاوی نکات لازم برای تدوین چارچوبی جهت تبیین ویژگی‌های اقتصادی مدیریت علوی بوده و ویژگی‌های تولید، توزیع، مصرف، برنامه‌ریزی و نظارت بر امور اقتصادی در نهج‌البلاغه وجود دارد و می‌تواند در سیاست‌های اقتصادی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

شاخص‌های رونق تولید از منظر قرآن کریم

برای پرداختن به عوامل و شرایط لازم برای رونق تولید نیازمند استخراج راهکارهای لازم برای رونق تولید در عرصه فعالیت‌های اقتصادی هستیم که عبارت‌اند از:

الف) تولید به مثابه عمل صالح و سعادت بشری

اعمال و فعالیت‌های بشری در صورتی مورد پذیرش دین اسلام هستند

که بر مبنای نیات خیر و نیکو بنا شده باشند. این اصل اساسی به‌روشنی درباره فعالیت‌های اقتصادی نیز حاکم است. در آیه ۵۱ سوره مؤمنون به این مسئله اشاره شده و قرآن کریم می‌فرماید: «ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید که من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم». این توصیه بدان معناست که در هر عملی از جمله فعالیت‌های اقتصادی نظیر تولید، می‌بایست اصول انسانی و اخلاقی را رعایت نمود و از ایجاد مفسده دوری جست. عمل صالح در یک نگاه کلی، رعایت معیارهای اخلاقی و اسلامی است که هدفی جز سعادت بشری ندارد؛ بنابراین اعمالی نظیر تولید و فعالیت اقتصادی، علاوه بر اینکه وسیله‌ای برای مهیا کردن شرایط مناسب زندگی افراد هستند، به عنوان عملی برای تزکیه نفس انسانی و زندگی سعادت‌مند در نظر گرفته می‌شود. کسانی که با این رویکرد اسلامی، زندگی خود را سامان می‌بخشند، از زندگی سعادت‌مندانه و مرگ سعادت‌مندانه نیز برخوردار می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۱، ص ۲۶۵).

ب) خلاقیت و نوآوری، پشتوانه رونق تولید

از نشانه‌های خلاقیت در واحدهای تولیدی، تنوع در محصولات است. تنوع در محصولات، حتی می‌تواند در بخش رنگ‌بندی محصولات هم باشد؛ به‌طوری‌که قرآن کریم می‌فرماید: «آنچه را در زمین با رنگ‌های گوناگون برای شما پدید آورد؛ البته در این آفریده‌ها برای پندگیران عبرت و نشانه‌ای روشن است» (نحل: ۱۳). این آیه، اشاره به این مطلب دارد که تنوع رنگ‌ها در هستی، نشانه قدرت و حکمت خداوند است. پس محصولات کارخانه هر چه متنوع‌تر باشد، نشانه ابتکار و خلاقیت سازنده آن است (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۵۰۰).

ج) نفی ربا و تأکید بر عنصر تولید

خداوند متعال شیوه‌های اقتصادی سالم، دادوستدهای مشروع و عدالت‌محور را سبب رشد و تعالی فرد و جامعه می‌داند؛ اما ربا را به‌شدت

محکوم می‌کند و آن را مایه نابودی جامعه و فرد رباخوار معرفی می‌کند. اعمالی که تولید واقعی در جامعه ایجاد نمی‌کنند و تبعات خطرناکی را نیز به دنبال خواهند داشت. قرآن کریم در جایی ضمن رد ربا و رباخواران چنین بیان می‌کند:

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره: ۲۷۵): آن کسانی که رباخورند [از قبر در قیامت] برنخیزند، جز به مانند آنکه به وسوسه شیطان مخبط و دیوانه شده و آنان بدین سبب در این عمل زشت افتند که گویند فرقی بین تجارت و ربا نیست؛ حال آنکه خدا تجارت را حلال و ربا را حرام کرده. پس هر کس که اندرز [کتاب] خدا بدو رسد و از این عمل دست کشد خدا از گذشته او درگذرد و عاقبت کارش با خدا باشد و کسانی که دست نکشند اهل جهنم‌اند و در آن جاوید معذب خواهند بود.

د) توسعه شرکت‌های تعاونی و سیاست‌گذاری مطلوب اقتصادی

راهکارهای متعددی برای رونق تولید در نظام اسلامی وجود دارد که از جمله می‌توان به توسعه شرکت‌های تعاونی اشاره نمود؛ توضیح اینکه توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم از جمله اهداف مسئولان نظام اقتصادی جامعه ماست که می‌تواند در تمامی عرصه‌های اقتصادی، به‌ویژه تولیدات داخلی و توسعه صادرات، رونق ایجاد نماید. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «و در انجام نیکی‌ها و دوری از ناپاکی‌ها یکدیگر را یاری دهید» (مائده: ۲).

رونق تولید ستون فقرات نظام اقتصادی در هر جامعه‌ای است که برای رسیدن به این هدف، از روش‌ها و راهکارهای متفاوتی بهره گرفته شده است. رویکرد اسلام نه بر مبنای کسب هر چه بیشتر سود و فداکردن ارزش‌های

اخلاقی در پای منافع اقتصادی، بلکه نگاهی ابزاری به تولید و اقتصاد و تلقی آن به مثابه وسیله‌ای است که بتواند سبب تحقق سعادت دنیوی و اخروی بشر شود.

از این منظر، اصل اساسی برای رونق تولید در مکتب اسلام، در نظر گرفتن رضایت خداوندی و وسیله‌بودن اقتصادی است. برای رسیدن به این هدف، نیازمند بهره‌گیری صحیح و مناسب از مواهب الهی، استفاده از رویکردهای مبتنی بر خلاقیت و نوآوری، نفی و حرمت ربا به عنوان روشی مذموم و در مقابل استفاده از شیوه‌های پسندیده نظیر قرض الحسنه، مضاربه، بیع و در نظر گرفتن اصل دوری از روش‌های مفسده‌انگیز و ناسالم دیگر است.

اهمیت تولید در جامعه مطلوب

انسان برای ادامه حیات و دستیابی به نیازهایش و رفاه عمومی مطلوب، به برخورداری از نعمت‌ها نیاز دارد. این نعمت‌ها در محیط زندگی انسان یافت می‌شوند، اما این گونه نیست که همه آنها بدون ایجاد تغییر در آنها قابلیت استفاده داشته باشند. خداوند بر اساس برخی مصالح و حکمت‌ها مقرر کرده است که انسان با کمک از دانش و اندیشه خود و با کوشش و انجام دادن برخی تغییرات در منابع طبیعی موجود در محیط زندگی با تصرف مجدد در محصولات تهیه‌شده، به مواد و محصولات لازم برای تأمین نیازهای مختلفی که دارد، دسترسی پیدا کند (سبحانی، ۱۴۰۱، ص ۶۲).

امروزه مجموعه نیازهای آدمی با توجه به پیشرفت علوم و فناوری‌ها و افزایش جمعیت، هم از نظر کمی و هم به جهت کیفی بسیار گسترده و پیچیده شده است و به هیچ وجه برآوردن این نیازها از راه مواد آماده در منابع طبیعی میسر نیست. به همین دلیل، کمتر کالای مورد نیازی است که بدون کار و ایجاد تغییر در آن، قابلیت بهره‌برداری داشته باشد. بر این اساس، امروزه انجام عملیات تولیدی، یعنی به فعلیت رساندن بهره‌برداری از نعمت‌های الهی، ضرورتی انکارناپذیر است که بدون آن نظام زندگی مختل

می‌شود. به علاوه تغییراتی که هر روز نسبت به روز پیش، در زندگی انسان‌ها رخ می‌دهد، نیازهای جدیدی را پدید می‌آورد که ضرورت انواع تولیدات جدیدی را مطرح می‌سازد که اصولاً در گذشته چنین نیازهایی برای بشر مطرح نبوده است. آیا این امور را بدون تولید می‌توان سروسامان داد؟ بنا بر آنچه گفته شد، امروزه مسئله تولید در نظام‌های اقتصادی، به مراتب بیشتر از زمان‌های گذشته اهمیت دارد و روزبه‌روز نیز در حال گسترش است.

اسلام و مسئله تولید

از راه‌های بسیاری می‌توان به جایگاه تولید در آموزه‌های اسلامی پی برد که آنها را برمی‌شماریم.

یک) پایبندی به اصول و اهداف کلی نظام اقتصادی

در نظام اقتصادی اسلام، اهدافی مطرح است که بدون توسعه تولید این اهداف تحقق‌پذیر نیستند. در مجموعه آموزه‌های اسلامی، برای دستیابی به این اهداف سفارش‌هایی شده است.

دو) سیره ائمه اطهار در افزایش تولید

یکی از راه‌های آشنایی با دیدگاه اسلام در زمینه تولید، تأمل در رفتار و سیره عملی اهل بیت است. در متون روایی احادیث فراوانی در زمینه شرکت حضرات معصومان (ع) در عرصه تولید نقل شده است؛ برای مثال، امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَضْرِبُ بِالْمَرْءِ وَيَسْتَخْرِجُ الْأَرْضَيْنِ ... [وَأَنَّهُ] أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ مَالِهِ وَكَدَّ يَدِهِ»: همانا حضرت علی (ع) هزار بنده را با پولی که از دسترنج خویش به دست آورده بود، آزاد ساخت» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۷۴).

بر اساس شواهد تاریخی، اصلی‌ترین راه درآمد امیرمؤمنان، علی (ع) تلاش و کار در عرصه‌های تولید، یعنی کشاورزی و باغداری و ... بوده است. یکی از اصحاب امام صادق (ع) به نام محمد بن عذافر می‌گوید: حضرت

صادق (ع) هفتصد دینار به من داد و فرمود: این پول را به کاری صرف کن و من به سود آن نیازی ندارم؛ اما دوست دارم خداوند عزوجل مرا در حالی ببیند که این پول را در معرض استفاده قرار داده‌ام، عذافر می‌گوید: با استفاده از آن پول در تولید، سودی در حدود صد دینار به دست آمد. در طواف به خدمت آن حضرت رسیدم و موضوع را به اطلاع ایشان رساندم. امام فرمود: آن سود را نیز به سرمایه اضافه کن (حرعاملی، [بی‌تا]، ج ۱۲، ص ۱۹).

از این روایت پی می‌بریم که افزایش تولید، مطلوب است، هرچند از راه گذاشتن ابزار و سرمایه در اختیار دیگران باشد.

قوانین و مقررات مربوط به رشد تولید

بسیاری از مقررات و احکام اسلامی، زمینه‌ساز افزایش تولید هستند. وجود آن قوانین و احکام هم راه دیگری برای تشخیص منزلت تولید در نگرش اسلامی است. این گونه قوانین افزون بر ده‌ها مورد است که تنها به بیان چند مورد بسنده می‌شود.

۱. زمینی که حکومت اسلامی آن را در اختیار افراد قرار داده است، اگر بلااستفاده رها شد، باید آن را پس گرفت (رضایی دوانی، ۱۳۹۰، ص ۳۳)؛

۲. تحریم بهره ربوی؛

۳. تحریم درآمدهای ناشی از قمار و جادوگری؛

۴. جلوگیری از تمرکز ثروت نزد عده‌ای؛

۵. نداشتن جواز واسطه‌گری‌هایی که هیچ‌گونه کار مفیدی بر آنها مترتب نمی‌شود (همان، ص ۵۳)؛

۶. حرمت اسراف و تبذیر در مواد اولیه؛

۷. واجب کفایی بودن آموزش فنون و صنایع روز؛

۸. دادن حق نظارت و هدایت و جهت‌دهی به دولت در فعالیت‌های

اقتصادی؛

۹. تعلق نداشتن امکانات ارائه شده از سوی سازمان های تأمین اجتماعی به کسانی که قدرت کار دارند (همان، ص ۱۰۲)؛
۱۰. ممنوعیت تکدی گری (همان، ص ۱۱۶).
- یکی از عمده ترین مزایای چنین قوانینی، رونق مسئله تولید در سطح جامعه است.

تفاوت نگرش اسلام به تولید در مقایسه با دیگر نظام ها

همه مکاتب اقتصادی برای تولید اهمیت فوق العاده ای قائل اند و در این باره که همواره رشد تولید ضروری است، اتفاق نظر دارند؛ اما در نوع نگرش به آن، از جهاتی با هم تفاوت دارند. بر این اساس، بین نوع نگرش اسلام به تولید در مقایسه با دیگر مکاتب، تفاوت هایی به چشم می آید.

یک) تفاوت در هدف تولید

در مکتب های اقتصادی حاکم بر جهان، انگیزه تولید برای افراد جز سود مادی نیست؛ برای مثال، در مکتب اقتصاد سرمایه داری که به عنوان مظهر کامل تمدن جدید مطرح است، رشد سرمایه، هدف اساسی در فعالیت های اقتصادی است؛ زیرا بر اساس جهان بینی این نظام، همه امور در ماده خلاصه می شوند؛ از این رو، در این ساختار رشد و افزایش ثروت ملی بسیار مهم است؛ بدون آنکه به شیوه توزیع و میزان برخورداری افراد توجهی شود. از دیدگاه این مکتب، مشکل اساسی در امور اقتصادی، پایین بودن سطح تولید و محدودیت منابع طبیعی است و تنها راه حل این مشکل، رشد میزان تولید به شمار می رود. در نظام سرمایه داری، قانون عرضه و تقاضا جهت و میزان تولید را تنظیم می کند؛ زیرا سود در بازارهای آزاد محرک هرگونه فعالیت و کار است و مقدار سود، تابع قیمت است. وقتی تولیدکننده ای، سود بیشتری را پیش بینی کرد، کالای بیشتری را تولید می کند. افزایش قیمت ها هم حاکی

از افزایش میزان تقاضاست. در نتیجه، مصرف جهت تولید را تعیین می‌کند؛ یعنی تولید برای مصرف‌کنندگان است. البته این امر به‌ظاهر منطقی به نظر می‌رسد، ولی به این نکته توجه شود که در نظام سرمایه‌داری، تقاضا به جای آنکه بیان‌کننده نیازهای بشری باشد، بیشتر از قدرت خرید طبقه‌ای خاص خبر می‌دهد. قدرت خرید در نظام سرمایه‌داری، تنها در اختیار قشر مرفه است که اقلیت جامعه را تشکیل می‌دهند و در نهایت تولید را به سمت کالاهای غیرضروری و تجملی هدایت می‌کنند. در نتیجه، به برآورده شدن نیازهای عمومی افراد جامعه توجهی نمی‌شود.

در جهان‌بینی اسلام، انسان دو حیات مادی و معنوی، دنیوی و اخروی دارد که هر دو در طول هم قرار دارند و کیفیت زندگی اخروی انسان تابع نوع زندگی‌اش در این دنیاست؛ از این رو، هدف از تولید در نظام اقتصادی این مکتب نمی‌تواند در تحصیل رفاه مادی و دنیوی منحصر شود، بلکه به دنبال رفاهی است که سعادت اخروی او را نیز تضمین کند؛ بنابراین، هدف از تولید در چنین نظامی، اولاً تأمین نیازهای اساسی زندگی دنیوی خود و هموعان است. البته گاهی مصلحت تولید برای اجتماع آن‌چنان مهم می‌شود که حکم تکلیف وجوبی پیدا می‌کند؛ ثانیاً باید تولید در چارچوبی انجام گیرد که زمینه قرب انسان به خداوند را فراهم سازد؛ یعنی اسلام در کنار تشویق انسان به تولید، برای اصلاح زندگی خود و هموعانش می‌کوشد در روند تولید آن هدف نهایی و سعادت حقیقت هم فراموش نگردد و انسان اسیر زرق‌وبرق مادیت نشود و حرص و آز دنیا دوستی او را غرق نکند و تمام ارزش او در بهتر خوردن و بهتر پوشیدن و ... خلاصه نشود؛ چنان که در نظام‌های دیگر چنین است.

به عبارت دیگر، هدف او برخورداری از زندگی مادی شایسته‌ای باشد که او را در کمال‌یابی و به‌دست‌آوردن سعادت جاودانی یاری کند. امام صادق (ع) با توجه به این جهت‌گیری می‌فرماید: «نعم العون الدنیا علی طلب

الآخره»: دنیا یاور و کمک خوبی برای به دست آوردن آخرت است (حر عاملی، [بی تا]، ج ۱۲، ص ۱۰).

دو تفاوت در اقسام تولیدات

گذشته از تفاوت در هدف‌ها و انگیزه‌های تولید، اسلام از نظر نوع و اقسام تولیدات هم با دیگر مکاتب فرق دارد. در آیین اسلام، هرگونه تولیدی تأیید نشده است، بلکه اسلام تولیداتی را پذیرفته است که برای انسان مفید بوده و دارای نتایج سازنده‌ای باشد؛ از این رو، انواع تولیدات به مباح، مستحب، مکروه، واجب و حرام تقسیم می‌شود؛ یعنی تولیدات را به نیازمندی‌های واقعی او در حد واجب و لازم مربوط می‌داند و از سوی دیگر، تولیداتی را حرام و ممنوع می‌شمارد که از جهتی زیان و ضرر دارند.

یعنی در نظام اقتصاد اسلامی، فعالیت‌های تولیدی در دو لبه واجب و حرام قرار دارند و نمی‌توانند از آن محدوده خارج شوند؛ چون سلامت جامعه و سعادت و آسایش و امنیت اقتصادی و معنوی انسان‌ها به خطر می‌افتد؛ از این رو، به دست آوردن درآمد از راه اموری چون تولید شراب و مواد مخدر، تولید سلاح‌های خطرناک، پرورش خوک و سگ، ساختن اسباب قمار و موسیقی‌های زیان‌بار ممنوع است؛ اما در نظام‌های اقتصادی دیگر، مانند سرمایه‌داری و کمونیستی، چنین محدودیت‌هایی وجود ندارد.

سه تفاوت در نگاه به عوامل تولید

تفاوت دیگر اسلام با دیگر نظام‌ها در زمینه تولید به نوع نگرش اسلام بر عوامل تولید مربوط است. اسلام، عوامل تولید یعنی کار، سرمایه و منابع خدادادی را موهبت‌های الهی می‌داند که خداوند آنها را در چارچوب احکام و مقرراتی مشخص در اختیار انسان به صورت امانت قرار داده است و در راستای تحقق اهداف خاصی به کار گرفته می‌شوند. در صورت عدول انسان از این محدوده‌ها نیز وی بازخواست و مجازات خواهد شد؛ اما در

نظام‌های دیگر، چنین محدودیت‌هایی مطرح نیست. همه این عوامل را عطیه‌های طبیعت می‌دانند که می‌توان از آنها در طول عمر، به هر گونه‌ای که میسر است، در راستای خواست‌ها و امیال بهره‌برداری کرد. از این بابت نیز هیچ‌گونه بازخواستی در انتظار انسان نیست. بر اساس نظر ایشان، تنها عامل محدودکننده، حق دیگر مردم است، اما وقتی در عمل توانمند شدند، به آن حق هم هیچ اعتنایی نمی‌کنند؛ چون بر اساس نوع جهان‌بینی آنها، چنین حقی تضمین و پشتوانه الزام‌آوری ندارد و اعتنا به چنین موضوعی سبب ازدست‌رفتن بسیاری از منافع و فرصت‌ها می‌شود که چنین کاری معقول و منطقی نیست.

اهمیت کار و تولید اقتصادی از دیدگاه قرآن و عترت

تولید، به عنوان یکی از مفاهیم اساسی در اقتصاد اسلامی، اهمیت بسیاری دارد. در اسلام، بر تولید و بهره‌وری از منابع، به منظور تأمین نیازهای جامعه و توسعه اقتصادی، تأکید شده است. برای درک بهتر اهمیت تولید در اسلام، می‌توان به شواهد زیر اشاره کرد.

«وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى * ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءُ الْأَوْفَى» (نجم: ۳۹-۴۱): و [نمی‌دانند] اینکه برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داده [ثواب و جزایی] نخواهد بود؟ و اینکه البته پاداش سعی و عمل او را [در دنیا و برزخ] به وی بنمایند. سپس [در آخرت] پاداش کامل آن را به او بدهند.

آیت‌الله مکارم در تفسیر این آیات بیان کرده‌اند: درست است که این آیات ناظر به سعی و تلاش برای آخرت و مشاهده پاداش آن در سرای دیگر است، ولی حاوی ملاک و معیار اصلی است که دنیا را نیز در برمی‌گیرد؛ به این معنی که افراد باایمان نباید در انتظار دیگران بنشینند که برایشان کار کنند و مشکلات جامعه‌شان را حل نمایند، بلکه باید خود دامن همت به

کمر بزنند و به سعی و تلاش و کوشش برخیزند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲۲، ص ۵۵۲-۵۵۳).

علی بن ابی حمزه می گوید: امام کاظم (ع) را دیدم که در زمین کشاورزی خود کار می کرد و عرق می ریخت. عرض کردم: قربانت گردم! پس کارگران کجا هستند؟ فرمود: ای علی! بهتر از من و پدرم در این زمین با بیل کار می کردند. عرض کردم. آنان را معرفی بفرما. حضرت فرمود: رسول خدا (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و پدرانم همه با دست خود کار می کردند. کشاورزی شغل پیامبران خدا، جانشین آنان و مردان شایسته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸، ص ۱۱۵).

در مجموعه آموزه های اسلامی به ویژه آیات و روایات برای هر یک از عناصر اساسی فعالیت های اقتصادی یعنی تولید کار و سرمایه و ... هدف هایی در نظر گرفته شده است؛ برای مثال، برای تولید هدف هایی چون تأمین نیازهای معیشتی و توسعه رفاه مادی، تأمین هزینه انجام کارهای عبادی و معنوی و خدمت به مردم و جامعه و ... بیان گشته است. در زمینه انگیزه و اهداف کار در جامعه اسلامی نیز به اموری چون تأمین مخارج زندگی خود و خانواده و هموعان، ایجاد توسعه در زندگی و گسترش رفاه، دستگیری از نیازمندان و حفظ سلامت جسمانی و روحی و کمک به حل مشکلات جامعه اسلامی و اطاعت از فرمان خداوند و ... اشاره شده است.

همچنین در این مجموعه رهنمودهایی که درباره تهیه سرمایه و سرمایه گذاری مطرح گشته است با تحلیلی دقیق و بررسی همه جانبه ای می توان گفت مجموعه اهدافی که برای اموری چون کار و تولید و سرمایه در آموزه های اسلامی بیان شده در کل به اهداف کلانی بازمی گردد که در نظام اقتصاد اسلامی به آن توجه شده است که مهم ترین این هدف ها عبارت اند از:

۱. تأمین نیازهای معیشتی

یکی از هدف های اصلی فعالیت های اقتصادی اعم از کار و تولید و

سرمایه تأمین نیازهای معیشتی انسان‌هاست. خداوند تبارک و تعالی بر اساس مصالحی چنین مقرر کرده است که انسان‌ها در سایه تلاش و کوشش بتوانند همه نیازهای ضروری زندگی‌شان را تأمین کنند. انسان‌ها در جریان زندگی به صورت طبیعی با این موضوع آشنا می‌شوند و پی می‌برند باید خود از راه انجام کارهای مختلف به برآوردن نیازهای اساسی‌شان اقدام کنند، ولی به دلیل آنکه اسلام در زمینه انواع و مقدار کارها و نوع تولیدات و شیوه‌های تأمین سرمایه برای تولید دیدگاه خاصی دارد در مورد هر یک از این امور رهنمودهایی را ارائه کرده است. بر اساس جهان‌بینی اسلامی روزی هر کس بر پایه تقدیر الهی است که با التزام به احکام شرع به آن می‌رسد؛ بنابراین هیچ دلیلی برای تخلف از قوانین اقتصادی اسلام وجود ندارد. امام صادق (ع) در این باره فرموده است:

روزی دو گونه تقسیم شده است؛ یک قسم آن به صاحبش می‌رسد، گرچه آن را طلب نکند و روزی دیگر وابسته به کوشش او می‌باشد. آنچه برای بنده قسمت شده است به هر حال به او خواهد رسید. هر چند در تحصیل آن تلاشی ننماید و آنچه با کار و تلاش قسمت اوست باید از راه‌های خاصی که برای او معین شده است طلب شود. آنها همان راه‌هایی هستند که خداوند برای انسان قرار داده است به راه‌های دیگر. پس اگر انسان از طریق راه‌های حرام روزی خود را به دست آورد به حساب روزی او گذاشته می‌شود و در مقابل آن در آخرت مؤاخذه هم خواهد شد (حر عاملی، [بی‌تا]، ج ۱۲، ص ۱۵).

افزون بر تعیین چارچوب برای فعالیت‌های اقتصادی در زمینه اصل تلاش برای تأمین نیازها سفارش‌های فراوانی در رهنمودهای دینی به چشم می‌آید؛ برای نمونه همگان را به تحصیل معاش - از راه کار و تولید و سرمایه‌گذاری و انجام خدمات یا شرکت در روند توزیع و ... - تشویق می‌کنند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (جمعه: ۱۰): در پی به دست آوردن نعمت خدا باشید.

رسول اکرم (ص) در سفارشی عام خطاب به همگان چنین می‌فرماید: «كُلُوا مِنْ كَدِّ أَيْدِيكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۳۴): با دست‌رنج خودتان امور زندگی را سامان ببخشید. ایشان در روایتی دیگر می‌فرماید: «هر کس از دست‌رنج خود ارتزاق کند، خداوند به او نظر رحمت کند و او را به عذاب دچار نسازد» (حر عاملی، [بی‌تا]، ج ۱۲، ص ۱۵).

۲. انجام وظایف عبادی

اسلام به مسائل اقتصادی رنگ عبادی و معنوی می‌بخشد و از انسان می‌خواهد تلاش‌های مادی او با انگیزه الهی انجام گیرد؛ ازاین‌رو در برخی از مسائل اقتصادی قصد قربت اعتبار دارد؛ برای نمونه، در احکامی مانند زکات، خمس و دیگر واجبات و مستحبات اقتصادی قصد قربت شرط است؛ زیرا در اسلام مال و کار وسیله تقرب به خدا است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتُ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ (توبه: ۹۹): گروهی از اعراب به خدا و روز قیامت ایمان دارند و آنچه را انفاق می‌کنند مایه تقرب به خدا و دعای پیامبر می‌دانند. آگاه باشید اینها مایه تقرب آنهاست و خداوند آنها را در رحمت خود وارد خواهد ساخت.

بنابراین در اسلام سیاست اقتصادی و مالی از مسائل عبادی و معنوی جدا نیست. بی‌گمان انجام فرایض دینی و عبادات و به‌طور کلی پرداختن به امور معنوی نیازمند داشتن جسمی سالم و توانا و امکانات مناسب زندگی است. افزون بر آن انجام عباداتی همچون حج و انفاق به دیگران متوقف بر

توانایی مالی بیشتری است. از سوی دیگر مطابق آموزه‌های دینی فقر مالی می‌تواند عامل فقر معنوی، تزلزل عقیدتی و در نهایت سبب سقوط اخلاقی باشد؛ ازاین‌رو یکی از متعالی‌ترین انگیزه‌های مسلمان در زمینه کار و تولید بسترسازی مناسب برای رشد معنوی و انجام عبادات است. در روایتی از رسول خدا (ص) آمده است: «پروردگارا! برای ما در نان برکت ده و میان ما و آن جدایی می‌فکن؛ چراکه بدون نان توان روزه گرفتن نماز خواندن و انجام فرایض را نداریم» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۷۳).

۳. تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی

یکی از تفاوت‌های اساسی مکتب اسلام با مکاتب اقتصادی دیگر در این است که در اسلام ارزش‌های اخلاقی و معنوی رفتارهای اقتصادی افراد را شکل می‌دهد. این در حالی است که در مکتب‌های دیگر ارزش‌های اخلاقی، جدا و بیگانه از مسائل اقتصادی مطرح می‌شوند.

در اسلام، مسائل اقتصادی از مسائل اخلاقی جدا نیست؛ زیرا نظام اقتصاد اسلامی بر اساس ارزش‌ها و اخلاق طراحی شده، اما در مکتب‌های مادی روابط اقتصادی کاملاً خشک و بی‌روح بر پایه رقابت‌های منفی استوار است؛ ازاین‌رو به ورشکستگی، درگیری، تفرقه و اختلاف، دشمنی و عداوت در بین مردم منجر می‌شود.

در این نوع مکاتب درآمد از هر راهی که میسر شود ولو با راه انداختن جنگ و کشتارهای دسته‌جمعی، تولید و فروش مواد مخدر و غارت حق دیگران اشکالی ندارد؛ اما روابط اقتصادی در اسلام بر پایه اصول اخلاقی، مانند اخوت، تعاون، ایثار و احسان استوار است. بر این اساس بسیاری از معاملات و مکاسب در اسلام حرام دانسته شده؛ چون مسائل اخلاقی و انسانی در برخی از آنها نادیده گرفته شده است و بسیاری از آنها به زبان مردم تمام می‌شوند. امام صادق (ع) در روایتی فرمود:

هر چیزی که در آن مصلحت و منفعتی برای مردم و بندگان خدا باشد،

معامله، خرید و فروش، اجاره و هرگونه نقل و انتقالش حلال است و هر چیزی که مفسده و ضرر مردم در آن باشد، خرید و فروش، اجاره و ... آن باطل و حرام می‌باشد (طباطبایی بروجردی، ۱۳۴۹ ق، ج ۲، ص ۱۲). خلاصه اینکه اقتصاد در اسلام زیر چتر اخلاق است و ممنوع بودن برخی معاملات به خاطر رعایت مسائل اخلاقی و انسانی است. اسلام می‌خواهد سایه اخلاق و عاطفه بر روابط اقتصادی حاکم باشد. اسلام در رسیدن به اهداف اقتصادی خود از قبیل زدودن فقر، ایجاد رفاه و اجرای عدالت از چارچوب ارزش‌های اخلاقی خارج نمی‌شود؛ زیرا تحقق این ارزش‌ها همراه با اجرای اصول و احکام اقتصاد اسلامی از اهداف اصلی مکتب اسلام به شمار می‌رود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ
تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا
(نساء: ۲۹): ای اهل ایمان! مال یکدیگر را به ناحق مخورید؛ مگر
آنکه تجارتی باشد که از روی رضا و رغبت کرده [و سودی برید] و
یکدیگر را نکشید که البته خدا به شما بسیار مهربان است.

۴. استقلال و عدم وابستگی اقتصادی

هدف اسلام این است که امت اسلامی در همه جنبه‌های زندگی از بیگانگان مستقل باشد. از این میان استقلال اقتصادی اهمیت خاصی دارد. بدیهی است این کار جز در سایه توسعه فعالیت‌های اقتصادی، اعم از تولید و سرمایه‌گذاری و رونق اشتغال، امکان‌پذیر نیست.

یادآوری این نکته لازم است که معنای استقلال غیر از خودکفایی است. خودکفایی آن است که جامعه همه نیازهایش را تأمین کند و به وارد کردن کالا از خارج نیازی نداشته باشد؛ اما استقلال اعم از آن است. جامعه مستقل اقتصادی ممکن است به وارد کردن برخی کالاها احتیاج داشته باشد، اما تأمین این نیاز به معنای تکیه بر دیگر جوامع و باج‌دادن و سر فرود آوردن

در مقابل دیگر جوامع نیست، بلکه در روابطی سالم برخی محصولات خود را می‌دهد و تولیدات دیگران را می‌ستاند؛ اما خودکفایی بیش از این است؛ جامعه خودکفا می‌تواند همه نیازهای خود را با هزینه بیشتر تأمین کند، ولی ممکن است ترجیح دهد برای بهتر استفاده کردن از امکانات خود و صرفه‌جویی کردن برخی کالاها را از بیرون وارد کند.

استقلال شرط لازم قدرت حکومت اسلامی است و بدون آن تحقق اقتدار اقتصادی حکومت متصور نیست. البته برخی استقلال را مستلزم اقتدار دانسته و کشوری را که اقتدار اقتصادی نداشته باشد، فاقد استقلال شمرده‌اند. این در حالی است که اقتدار از لوازم استقلال نیست؛ زیرا کشوری ممکن است روی پای خود بایستد ولی نتواند حرف اول را در روابط تجاری با دیگران بزند. در این صورت استقلال دارد، ولی اقتدار و قدرت چانه‌زنی ندارد؛ از این رو چنین کشوری نمی‌تواند شرایط خود را در روابط تجاری به دیگران بقبولاند؛ بنابراین استقلال شرط اقتدار است و هدفی اقتصادی به شمار می‌آید.

از مفاد و مفهوم برخی آیات لزوم استقلال اقتصادی فهمیده می‌شود که در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱): خداوند هرگز به نفع کافران بر علیه مؤمنین راه تسلطی قرار نداده است.

بیشتر فقهای بزرگ اسلام برای نفی هرگونه سلطه کافران بر مسلمانان به این آیه استناد می‌کنند و مفاد آن را حکم می‌دانند نه اخبار؛ یعنی مسلمانان باید امورات خود اعم از اقتصادی و غیراقتصادی خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که زمینه تسلط کفار فراهم نشود و هر عملی که به سلطه کفار بینجامد نامشروع است. بر این اساس، مسلمانان برای حفظ حیثیت اسلامی‌شان وظیفه دارند از هر عملی خودداری کنند که راه نفوذ و تسلط بیگانگان را بر مسلمانان می‌گشاید و یکی از بزرگ‌ترین راه نفوذ آنان از طریق تأمین نیازهای اقتصادی است.

یعنی مهم‌ترین راه سلطه کفار بر مؤمنین سلطه اقتصادی است. اعمال سیاست‌های اقتصادی مستقل و عدم وابستگی در کالاهای اساسی و همیاری عمومی مردم در تحصیل خودکفایی و بستن راه‌های نفوذ آنان از مهم‌ترین مسئولیت‌های امت اسلامی به شمار می‌آید تا بدین وسیله از هرگونه وابستگی به بیگانگان به‌ویژه وابستگی اقتصادی مصون بمانند؛ چراکه به تعبیر حضرت امام وابستگی اقتصادی منشأ همه وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است (کورانی عاملی، ۱۳۸۷، ص ۱۵).

تاریخ نشان می‌دهد که کشورهای استعمارگر عمدتاً از همین طریق توانسته‌اند به مقاصد شوم سیاسی - فرهنگی‌شان در کشورهای مستعمره و تحت حمایت دست یابند. متأسفانه در عصر حاضر، بیگانگان بر مسلمانان سلطه اقتصادی پیدا کرده‌اند و این واقعیت در بی‌توجهی به آموزه‌های دینی ریشه دارد. مطابق مفاد آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰): برای مقابله با کفار و مشرکان آنچه می‌توانید نیرو آماده کنید. مؤمنان وظیفه دارند بکوشند خود را از وابستگی‌ها - از جمله وابستگی اقتصادی - رها کنند. سیاق کلی آیه نشان می‌دهد آیه درباره جنگ است و طبعاً مهم‌ترین نیرو برای مقابله با دشمن نیروی نظامی است؛ اما کلمه «من قوه» شامل هر نیرویی می‌شود. نیروی اقتصادی برای رویارویی با دشمن از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ به‌ویژه در جنگ‌های امروز که قدرت اقتصادی یکی از دو طرف جنگ در سرنوشت آن نقش بسزایی دارد. روایاتی در تفسیر این آیه آمده است که با استفاده از آنها شمول آیه را نسبت به توان اقتصادی بهتر می‌توان فهمید.

یکی دیگر از اصول قرآنی که به موجب آن جامعه اسلامی می‌بایست از تولیدات و اشتغال کشور خود حمایت کنند، اصل اقتدار و قوت است. خدای متعال بر اساس آیه فوق می‌فرماید: «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید!»؛ یعنی در انتظار ننمایید تا دشمن به شما حمله کند و آن‌گاه آماده مقابله شوید، بلکه از پیش باید به حد کافی

آمادگی در برابر هجوم‌های احتمالی دشمن داشته باشید. کلمه «قوة» چه کلمه کوچک و پر معنایی است؛ نه تنها وسائل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد را شامل می‌شود. از آنجاکه یکی از حساس‌ترین راه‌هایی که دشمنان برای استعمار و از بین بردن دیگران در پیش می‌گیرند، جنگ اقتصادی است، سزاوار است که جامعه اسلامی با خودکفایی و جهاد اقتصادی به یک اقتصاد و تولید پویا، مقتدر و توانمند دست یابد؛ از طرفی به اذعان اقتصاددانان این امر مهم نیز بدون حمایت از تولید و سرمایه و اشتغال امکان‌پذیر نیست.

نتیجه‌گیری

می‌توان ذائقه جامعه را از مصرف‌زدگی به سوی تعدیل مصرف و سپس از آنجا به تولید گرایش داد و ظهور صنعت متناسب با ارزش‌های الهی را شاهد بود. به نظر می‌رسد که معضلات موجود اقتصاد کشور، ریشه در عدم هماهنگی و ارگانیزه نبودن ادراکات مذهبی دارد. در هر حال، هرچند که این معضلات را ناشی از عدم تجربه حکومت اسلامی در سده‌های اخیر، عدم آمادگی دین‌باوران نظام کارشناسی جامعه در برخورد با حوادث پس از انقلاب اسلامی، تنگ‌نظری و یا فراخ‌اندیشی غیر قاعده‌مند در بسیاری از چالش‌های اجتماعی، نبود یک الگوی کارآمد تولید، توزیع و مصرف اجتماعی در کشور، تفوق سلايق شخصی بر روش‌های متقن اجرایی و غیره بدانیم و یا به گونه دیگر به تحلیل مسئله بپردازیم، آنچه کماکان عقل را به بسیجی همه‌جانبه فرامی‌خواند، چیزی جز ضرورت ارائه طرحی بدیع و عملی نخواهد بود. البته این طرح، علی‌القاعده باید با روح حاکم بر جامعه نیز هم‌نوا باشد. ما باید بتوانیم به صورت هدفمند حتی انگیزه غیرمذهبی جامعه را تحریک کرده و سپس شیب آن را به طرف انگیزه‌های مذهبی سوق دهیم.

مجموعه احکام و توصیه‌هایی که در زمینه تولید و برطرف کردن حاجت‌های عمومی مردم در معارف دینی ما وجود دارد و سیره عملی ائمه معصومین (ع) در تولید و وقف آن برای عموم مردم و همچنین تلاش بی‌وقفه بزرگان دینی معاصر به‌ویژه در زمینه‌های فرهنگ دینی که در عین حضور در بالاترین مناصب اجتماعی، بیشترین تلاش و کار را در مقابل کمترین برخورداری دنیایی برای خود طالب‌اند، با اندکی دقت درمی‌یابیم که تمامی آنها از مظاهر امکان‌پذیری توسعه کار و تولید بر مبنای انگیزه‌های دینی است.



منابع و مآخذ

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

حر عاملی، محمدبن حسن (بی تا). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی. تهران، دارالکتب اسلامیة.

حکیمی فر، محمد (۱۳۹۱). تولید و بهره‌برداری اقتصادی از نگاه قرآن و نهج البلاغه با رویکرد تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی. دوفصلنامه حدیث پژوهی، ۱ (۲). خوش خاضع، محمدجواد و همکاران (۱۴۰۰). رونق تولید از نگاه قرآن با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری. پژوهش‌های فقهی، ۳ (۴).

رضایی دوانی، مجید (۱۳۹۰). الگوی عرضه نیروی کار در جامعه مطلوب اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۱ (۴۱).

سبحانی، حسن (۱۴۰۱). بانکداری بدون بهره و فرایند استحاله آن. تهران، دانشگاه تهران.

طباطبایی بروجردی، سیدحسین (۱۳۴۹ق). رساله و توضیح المسائل (انیس المقلدین فی احکام الدین). قم، دفتر آیت الله حسین بروجردی (ره).

عبداللهی عابد، صمد، قبادی، مه‌ری (۱۳۹۳). راهکارهای قرآن برای رونق اقتصاد. سراج منیر، ۵ (۱۶). علیخانی، سروش (۱۳۹۹). ویژگی‌های جامعه مطلوب از دیدگاه امام علی (ع). مطالعات تفسیری، ۳ (۶).

غلام‌پور، جواد (۱۳۹۹). بررسی رونق تولید اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲ (۴).

قلعه‌نویی، حسین (۱۴۰۰). بررسی ویژگی‌های اقتصادی مدیریت علوی در زمینه تولید، توزیع و مصرف در نهج البلاغه. تحقیقات اسلامی، ۳ (۵).

کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. تهران، دارالکتب الإسلامیة تهران.

کورانی عاملی، علی (۱۳۸۷). عصر ظهور. تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت، مؤسسة الوفاء.

مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا (۱۳۸۶). برگزیده تفسیر نمونه. تنظیم احمدعلی بابایی. تهران، دارالکتب اسلامیة.